

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۸۵ چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۹، ۲۱ اکتبر ۲۰۲۰

- ۲ • شورای سیاستگذاری حزب دمکرات در رابطه با «پیمان نوین» رضا پهلوی
بیاننامه‌ای منتشر نمود
- ۲ • دوره ۲۴۴ مقدماتی پیشمرگه پایان یافت
- ۳ • وضعیت حاد کرونا وزیر بهداشت رژیم را به ارومیه کشاند
- ۲ • پروفسور "استیو هانکه": نرخ تورم در ایران ۱۸۱,۰۲ درصد است

www.kurdistanmedia.com



گزارش «کردپا»
در خصوص پایمال کردن
حقوق بشر در کوردستان

۸



قهره‌قا
در سایه سیستم حاکم
فاسد

۶



ذهن کوردی؛
رهایی یا گرفتار بودن آن

۵



انکار، بی فایده و
خطرناک است،
باید به فکر راه حل بود

۴

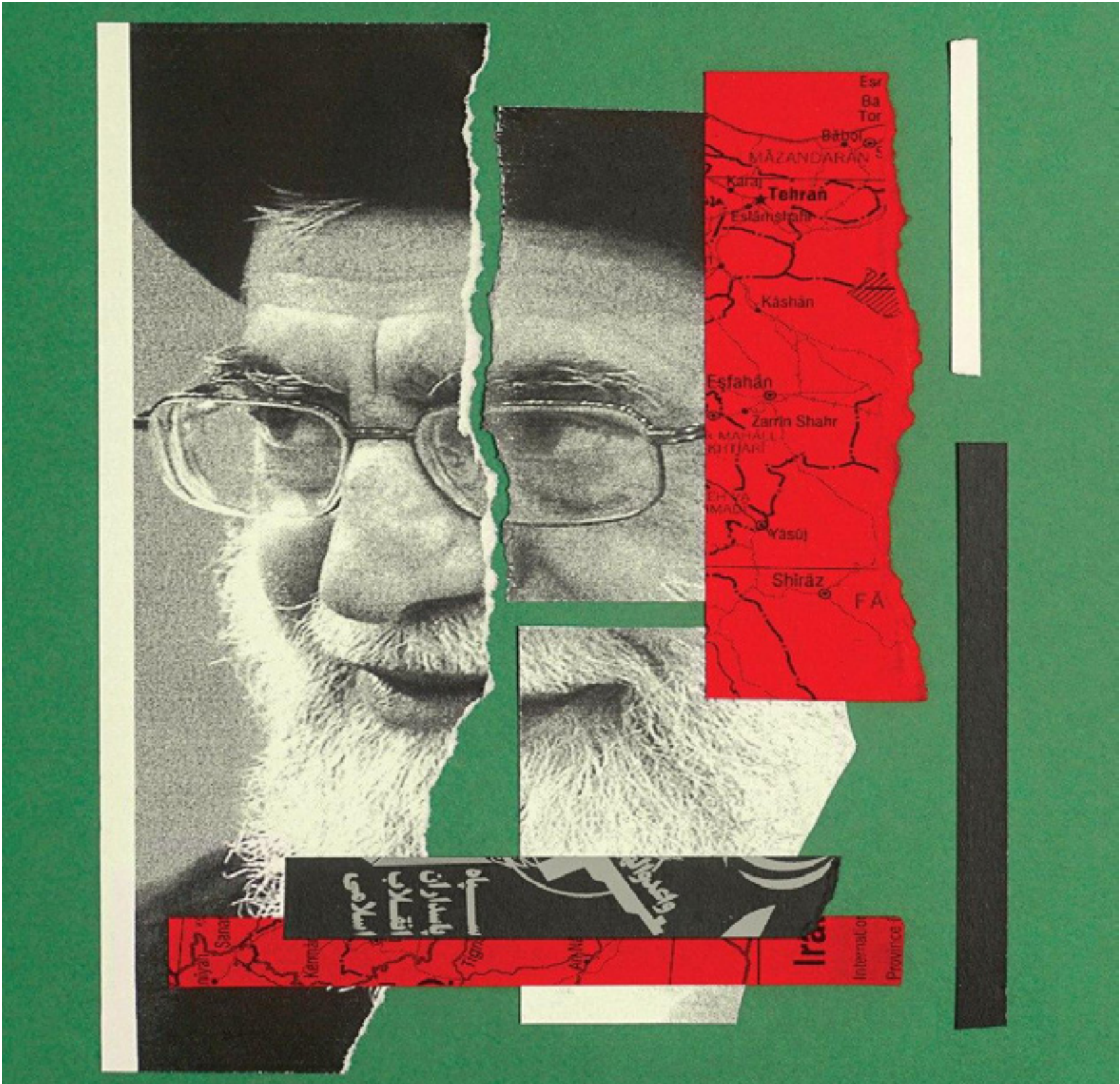
ایران، منبع تهدید برای منطقه است

سخن

تقابل مرگ
و وظیفه

کریم پرویزی

هنگامی که نیروهای سرکوبگر یک رژیم در شهر با دوشکا به مردم تیراندازی می‌کند و صدها و هزاران گردان امام علی را به سوی کوچه و خیابان‌ها گسیل می‌دارد تا مردم را به ددمنشانه‌ترین شیوه قتل عام نمایند، این رژیم آشکارا اعلام می‌دارد که بدون هیچ ابائی در جهت بقای ولی فقیه و نظام، به راحتی خون انسان‌ها را ریخته و آماده انجام هرگونه قتل عام دسته‌جمعی و ژینوساید است. اگر سیلاب و زلزله روی دهد، این رژیم به مردم کمک‌رسانی نمی‌کند تا رنج و آزار بیشتری متحمل و بیشتر آواره گردند، چون از هر فرصتی برای انتقام از مردم بهره می‌جوید. از منظر این رژیم و در رأس آنان خود خامنه‌ای، دشمن عبارت است از مردمان ایران و ملت‌های ساکن ایران و لذا بصورت مکرر تکرار می‌کند که دشمن در حال نفوذ به کشور است! رژیم به همه مردم بعنوان دشمن می‌نگرد و باید به هر شکل ممکن از بین بروند. در حال حاضر ویروس کرونا به موهبتی برای خامنه‌ای مبدل گشته تا مردم را بوسیله آن مجازات نماید. ویروس کرونا همان شوربختی است که رژیم ایران بصورت وسیعی آن را منتشر می‌کند و مرگ را برای مردم به ارمغان می‌آورد. همه کشورهای جهان در حال کنترل ویروس کرونا هستند، اما این رژیم خونخوار، هر ماه و هر هفته در حال رکوردزنی ابتلا و مرگ و میر بر اثر ابتلا به کرونا می‌باشد و آشکار است که رژیم خواهان قربانی شدن مردم توسط کرونا بوده و می‌خواهد تا جامعه را به زانو درآورد. اکنون که کرونا به سلاح میکروبیک رژیم ولایت فقیه تبدیل شده است، برای مقابله با



هم فشارهای حداکثری ستون اقتصادی ایران را درهم کوبیده است. همزمان اعتراضات اجتماعی و سیاسی با هم اراده‌ای درست خواهند کرد که طومار رژیم ایران را در هم خواهد پیچید. روشن است که این اقدامات متقابل بدون هزینه نخواهد بود و شاید هم هزینه‌ای سنگین داشته باشد. چرا که رژیم ایران واکنش ویژه خود را خواهد داشت. مانند سرکوب شدید، کشتار معترضان؛ اما مردم به ستوه آمده ایران آماده پرداخت هر هزینه‌ای هستند چرا که امیدوی به آینده ندارند.

جمهوری اسلامی ایران نباید به تسلیحات پیشرفته دست یابد". در همین زمینه وزیر دفاع آمریکا اعلام داشته است: "برای کشورهای خاورمیانه روشن شده است که بزرگ‌تن تهدید برای صلح و ثبات و امنیت در منطقه جمهوری اسلامی ایران است". جمع این مواضع باید در چهارچوب سیاست‌های حداکثری آمریکا تعریف شود، آینده ایران مبهم است و فشارها به حداکثر خود خواهند رسید. فشارهایی که شماری از ناظران بر این عقیده‌اند که آیا رژیم حاکم بر ایران تغییر خواهد یافت؟ به گفته بعضی از ناظران

جریان است؛ می‌نگریم". در همین زمینه مایک پومپئو ۲۷ مهرماه گفته بود: "هر کس و نهادی به رژیم ایران سلاح بفروشد تحریم خواهد شد. بعد از سخنان پومپئو وزرات خارجه آمریکا ۲ شهروند و ۶ نهاد چینی را تحریم کرد. این ۶ نهاد و ۲ شهروند در امور کشتیرانی به ایران کمک کرده‌اند. از سویی دیگر نماینده ویژه آمریکا در امور ایران "الیوت آبرامز" اعلام کرده است: "علیه کسانی که در صدد توافق تسلیحاتی با ایران هستند تحریم اجرا می‌کنیم". وی همچنین گفته بود با رفع تحریم‌ها

از کشورهای عضو این شورا به صورت مکرر و با موشک بالستیک و پهپاد از سوی ایران و یا بازوهای منطقه‌ای‌اش مورد حمله قرار گرفتند. این سخنان در پی آن می‌آید که روز ۲۱ مهرماه "عبدالله المعلمی" سفیر ریاض در سازمان ملل متحد در ۷۵مین نشست شورای ملل متحد اعلام کرده بود: "ایران با حمایت از گروه‌های مسلح منطقه مفادهای بین‌المللی را نقض می‌کند". همچنین گفته بود: "ما با اهمیت به اقداماتی که با هدف محو تسلیحات هسته‌ای رژیم ایران به ویژه در منطقه خاورمیانه در

دبیرکل شورای همکاری خلیج اعلام کرده است ایران در منطقه خشونت را ترویج می‌دهد و به حمایت و به آموزش، تأمین مالی و ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی و فرقه‌گرایانه می‌پردازد و ایران عامل انتشار خشونت در عراق، سوریه، یمن و لبنان است. روز سه‌شنبه ۲۹ مهرماه " نایف بن فلاح الحجرف" دبیرکل شورای همکاری خلیج گفته است: "ایران روش دشمنی، خشونت و بی‌ثباتی در منطقه را به عنوان روشی برای محقق کردن اهداف سیاسی‌اش در پیش گرفته است". به گفته " فلاح الحجرف" تعدادی

ادامه در صفحه ۳

شورای سیاستگزاری حزب دمکرات در رابطه با «پیمان نوین» رضا پهلوی بیاننامه‌ای منتشر نمود



شورای سیاستگزاری حزب دمکرات کوردستان ایران در رابطه با "پیمان نوین" "رضا پهلوی" بیاننامه‌ای منتشر نمود. در بخشی از این بیاننامه آمده است: "پیمان نوین همانند اغلب برنامه‌ها و مواضع اپوزیسیون سراسری واقعیت‌های جامعه ایران را نادیده گرفته است".

متن بیاننامه بدین شرح است: در ارتباط با "پیمان نوین" شاهزاده

رضا پهلوی روز ۷ مهر ۱۳۹۹ شمسی مصافد با ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰، "رضا پهلوی" پیامی ویدیویی تحت نام "پیمان نوین" را منتشر نمود. نامبرده در سخنان خویش مختصراً، بعد از اشاره به این حقیقت که جمهوری اسلامی در ۴۲ سال گذشته غیر از دیکتاتوری، سرکوب، ترور، دزدی، فساد و فقر و ... دستاوردی برای مردم ایران

نداشته است. مردم را به اتحاد دعوت کرده و همچنین خواستار شده که مردم با برپایی اعتراضات و تحصن با هم برای درهم پیچیدن طومار جمهوری اسلامی و تاسیس سیستمی دمکراتیک در ایران تلاش نمایند.

چندین تلویزیون فارسی زبان نیز در حمایت از "پیمان نوین" بصورت همه جانبه برای آن تبلیغات صورت داده و در تلاش هستند تا "پیمان

نوین" را بعنوان برنامه‌ای تازه و حتی همچون "مانیفست"ی برای آزادی ایران به افکار عمومی معرفی نمایند!

اما "پیمان نوین" نیز همچون اغلب برنامه و مواضع نیروهای اپوزیسیون سراسری واقعیت‌های جامعه ایران را نادیده گرفته است. علل اصلی شکست و عدم موفقیت اقدامات گذشته نیز همان قبول نکردن واقعیت‌های انکارناپذیر ایران بوده است: ایران کشوری چند ملیتی، چند زبانی و چند مذهبی است و انکار بیشترش، واقعیت را تغییر نخواهد داد.

برنامه‌ای سیاسی زمانی خواهد توانست که اغلب مردم را دور خود جمع نماید که برای ایرانی باشد که واقعیت‌های جامعه ایران را در نظر بگیرد، نه مصنوعی و ایدئولوژیک!

منظور آقای "رضا پهلوی" و همفکران وی از آزادی و دمکراسی و حقوق بشر برای ایرانی است که هویت و وجود بیش از نیمی از جمعیت را انکار می‌کند، فرزندان نیمی از جمعیت ایران را از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی یعنی خواندن به زبان مادری و حقوق سیاسی و فرهنگی آنان محروم می‌کند و ... غیره. ایرانی یک ملیتی و یک زبانی و یک فرهنگی تنها در خیال و ایدئولوژی رادیکال وجود دارد.

مخاطب "پیمان نوین" رضا پهلوی، مردم تهران و شیراز و مشهد و دیگر شهرهای فارس نشین ایران است نه ملیت‌های ستمدیده. لذا "پیمان نوین" بیشتر به آرزو و آمال شباهت دارد تا برنامه‌ای سیاسی واقعبینانه که به اساسی برای حل سیاسی مسئله ملیت‌های غیر فارس مبدل گردد.

"رضا پهلوی" در رابطه با مسئله ملیت‌های ایران بی‌طرف نیست و در اصل و اساس فکری خود بخشی از آن جریان فکری است که اعتراف به هویت ملیت‌های غیر فارس و قبول حقوق سیاسی آنان را متضاد با منافع و یکپارچگی خاک ایران می‌دانند.

نامبرده در ماه مارس ۲۰۱۹ در مصاحبه‌ای صراحتاً اعلام کرد که وی "منطق خواندن به زبان مادری را درک نمی‌کند". ۴۲ سال است که ما بعنوان کورد روزانه دیکتاتوری و سرکوب و ترور و تبعیض جمهوری اسلامی را با رگ و پوست احساس می‌نماییم. ۴۲ سال است که ملت کورد در عمل به مقابله با ظلم و ستم بدون مرز رژیم برخاسته است. اما غایت هدف ما تنها نابودی جمهوری اسلامی نیست، هدف ما تامین حقوق و آزادی برای ملت کورد در ایرانی دمکراتیک و فدرال است. در راستای فروپاشی جمهوری

اسلامی مبارزه می‌نماییم و در آن راه نیز آماده جانفشانی هستیم، بخاطر آنکه این رژیم را مانعی بر راه تأمین حقوق و آزادی خویش می‌دانیم.

حزب دمکرات کوردستان ایران همواره اعلام داشته که دروازه دیالوگ برای رسیدن به درک مشترک و نزدیکی اپوزیسیون ایرانی باز است و اتحاد و تاسیس آلترناتیوی دمکراتیک و فراگیر، در گروی نابودی جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با نظامی دمکراتیک را ضرورت امروز ایران می‌داند. اما همزمان و منطقاً، ما همکاری و حامی جریانی خواهیم بود که صراحتاً و به دور از کلی گویی به ما بگوید که اگر در آینده بعد از فروپاشی جمهوری اسلامی با همکاری و حمایت ما قدرت را در تهران به دست گرفت، چه چیزی برای ما تغییر خواهد کرد؟ حقوق و آزادی ما به رسمیت شناخته می‌شود و سرکوب و تبعیض و محرومیت کورد خاتمه می‌یابد؟ در ارتباط با ملیت‌های غیر فارس، حکومت پسا جمهوری اسلامی ماهیتاً چه تفاوتی با رژیم کنونی خواهد داشت؟

حزب دمکرات کوردستان ایران
شورای سیاستگزاری
۱۵ مهر ۱۳۹۹ شمسی
۶ اکتبر ۲۰۲۰ میلادی

دوره ۲۴۴ مقدماتی پیشمرگه پایان یافت



روز سه‌شنبه پانزدهم مهرماه ۱۳۹۹ خورشیدی، دوره مقدماتی ۲۴۴ پیشمرگه کوردستان با حضور مسئول اجرایی حزب دمکرات، اعضای رهبری، کادر و پیشمرگه

و مسئولان سیاسی و نظامی برگزار گردید. مراسم این دوره با سرود ملی "ای رقیب" و ادای احترام به شهدای راه آزادی کوردستان آغاز شد.

سپس "مصطفی هجری" مسئول اجرایی حزب دمکرات ضمن تبریک باد پایان این دوره سخنانی را ایراد نمود. بعد از پایان سخنان "هجری" شعری

تحت عنوان "کوردستان" از سوی "سجاد" برگزار شد. در بخشی دیگر از این مراسم گزارش کاری آموزشگاه از سوی "بداغ بداغی" آموزشیار آموزشگاه

تقدیم شد. سپس پیام دوره ۲۲۴ از سوی "سیمین" قرائت شد. در بخشی دیگر از این مراسم به نفرات برتر در دو بخش نظم

و دیسپلین و درس‌های سیاسی جوایزی اهدا شد. این مراسم با تقدیم سرودی پایان یافت.

اعضا و هواداران حزب دمکرات در تهران کتب دکتر «قاسملو» را چاپ و منتشر نمودند



ایران چاپ و منتشر کردند. کتابهایی که در تهران چاپ و منتشر شده‌اند عبارتند از: "کوردستان و کورد، چهل سال مبارزه در راه آزادی، تافگهی هه‌قیهت جلد ۱ و ۲، یک اروپایی در سرزمین کوردها، اندیشه‌های دکتر قاسملو، بخشی از مصاحبه‌های مصطفی هجری و

نسکۆ و داپران". این کتب در دانشگاه‌های تهران، کرمانشاه، سنندج و هر کتاب در ۵۰ جلد چاپ و منتشر شده است. انتشار این کتب با استقبال گرم اساتید و دانشجویان این دانشگاه‌ها همراه شده است.

اعضا و هواداران حزب دمکرات کوردستان ایران در تهران، با هدف آشنایی قشر تحصیل کرده و آکادمیک کوردستان و ایران با سیاست و اهداف و خط مشی حزب دمکرات، چندین کتب دکتر "عبدالرحمن قاسملو" و چندین کتب دیگر منتسب به حزب دمکرات را در بین دانشگاه‌های کوردستان و

وضعیت حاد کرونا وزیر بهداشت رژیم را به ارومیه کشاند



به کرونا در ارومیه جان خود را از دست داده و در هر ۵۰ دقیقه یک نفر قربانی کرونا می‌شود. «آقاپور» ضمن بحرانی خواندن سیر صعودی شیوع کرونا در ارومیه، رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی را عامل افزایش ابتلا در ارومیه اعلام کرده است. وضعیت حاد کرونا در ارومیه،

به آتش کشیدن پرچم مقدس کوردستان و مقر حزب دمکرات کوردستان عراق در بغداد توسط عوامل وابسته به رژیم ایران



حامیان "حشدالشعبی" وابسته به رژیم ایران صبح روز شنبه ۲۶ مهر ماه با یورش به دفتر شاخه ۵ حزب دمکرات کوردستان عراق، مقر این حزب را به آتش کشیدند. عوامل این گروه تحت حمایت رژیم ایران پس از اظهارات "هوشیار زیباری" عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کوردستان عراق با شبکه خبری "الحره"، به این مقر یورش کردند. "هوشیار زیباری" اعلام کرده بود که بخشی از میلیشیاهای وابسته به حشدالشعبی به تهدیدی علیه

پروفسور «استیو هانکه»: نرخ تورم در ایران ۱۸۱٫۰۲ درصد



هرچند این رقم نشان‌دهنده نرخ صعودی تورم نسبت به ماههای گذشته است اما این آمار و ارقام غیر واقعی است که مسئولین رژیم سرهم‌بندی می‌کنند. پیش از این نیز برخی کارشناسان

افزایش روزافزون گرانی در بازارهای ایلام نارضایتی مردم را در پی داشته و اعلام کرده‌اند که مسئولان رژیم در خواب بوده و هیچ کس مسئولیت مشکلات مردم را برعهده نمی‌گیرد. افزایش قیمت گوشت مرغ در استان ایلام تداوم داشته و ستاد تنظیم بازار ادعا کرده که برای کنترل نرخ بازار، گوشت کافی به بازار تزریق شده است. مردم ایلام اعلام کرده‌اند که در ۷ ماه گذشته حتی یک کیلو

گوشت مرغ از استان‌های دیگر وارد بازار ایلام نشده است. قیمت هر کیلو گوشت در ایلام به ۲۵ تا ۲۷ هزار تومان رسیده است. ضمن آنکه بازار با کمبود گوشت روبروست، مسئولان رژیم ایران به کشور عراق مرغ صادر می‌نمایند. مردم استان ایلام همچنین افزودند که ستاد تنظیم بازار توانایی مدیریت نداشته و مسئولان رژیم نیز دیگر قادر به اداره کردن مردم نیستند.

مسئولان رژیم ایران علت افزایش

تقاضای مردم ایلام از مسئولان عراق برای رسیدگی به مشکلات

قیمت گوت مرغ در بازار را به افزایش نرخ ارز، گرانی خوراک ارتباط داده‌اند. مردم ناراضی ضمن اشاره به عدم اراده جدی برای تنظیم قیمت مرغ در ایلام و احتمال شکایت مسئولان رژیم، از مسئولان عراقی درخواست نمودند تا به مشکلات آنان رسیدگی نمایند. قیمت گوشت در شهرهای کوردستان بصورت مستمر روبه افزایش است، اما تاکنون مسئولان رژیم هیچ راه حل مناسبی برای کنترل بازار اتخاذ نکرده‌اند.

کشف پایگاه اتمی مخفی رژیم در اطراف تهران



سلاح اتمی حتی پس از "برجام" ادامه داده و تاکنون چندین پایگاه مخفی دیگر رژیم که در راستای توسعه برنامه‌های اتمی فعالیت داشته‌اند، فاش شده‌اند.

پوشش مناسبی برای مخفی نگه داشتن فعالیت‌های درونی و هویت افرادی عنوان کرده که در آن محل تردد داشته‌اند. رژیم ایران به اقدامات خود برای دستیابی به

رسانه‌های وابسته به رژیم خواستار حمایت غرب از سپاه تروریست قدس شدند



برخی رسانه‌های وابسته به رژیم ایران با انتشار مطالبی در خصوص سر بریده شدن آموزگار فرانسوی، خواستار حمایت کشورهای اروپایی از سپاه تروریست قدس شدند. «ایرنا» خبرگزاری رسمی رژیم ایران سر بریده شدن آموزگار فرانسوی را نتیجه اهانت نشریه «شارلی ابدو» به پیامبر اسلام(ص) دانسته و انتشار چنین کاریکاتورهایی را بازی کردن با انبار باروت خواند. نشریه «توسعه ایرانی» نیز در این خصوص افزود که آزادی بیان زمانی که امنیت ملی را به خطر بیندازد بی‌معناست و کشورها و رهبران سیاسی اروپا را به حمایت از اهانت به مقدسات اسلام متهم کرد. این نشریه وابسته به رژیم همچنین کشورهای آمریکا و فرانسه و بریتانیا را به حمایت از گروه‌های تروریستی و سلفی و همسویی با آنان در جریان جنگ داخلی سوریه و یمن متهم کرده است. «توسعه ایرانی» همچنین از عملکرد آمریکا در جنگ با داعش انتقاد کرده و خواستار حمایت کشورهای اروپایی از سپاه قدس، شاخه برون مرزی سپاه تروریست پاسداران شده است. انتشار این خبر از سوی رژیم ایران مراکز امنیتی فرانسه را به تردید و گمان وا داشته است.

از سویی دیگر انتشار چنین خبری حاکی از آن است که رژیم ایران از تروریسم بین‌المللی حمایت می‌کند. رسانه‌های وابسته به رژیم در حالی خواستار حمایت از سازمان تروریستی سپاه قدس هستند که این گروه تروریستی در ترور فیزیکی دگرنایشان و مخالفان رژیم جمهوری اسلامی ایران در خاک اروپا نقش بسزایی داشته‌است.

ادامه سخن

این جنگ میکروبی و کشتار جمعی، وظیفه جامعه است که دفاع و استقامت ملی و اجتماعی اعلام نمایند و در واقع مقابله با کرونا مبارزه با تمامیت ولایت فقیه است.

همه ملیت‌ها در ایران باید جنگی سراسری با هجوم میکروبی رژیم یعنی کرونا اعلام نموده و استقامت و اقدامات پیشگیرانه از مرگ کرونا، مقابله با رژیمی است که می‌خواهد جامعه را به مرگی وحشیانه بکشد و در واقع انتقام نارضایتی و اعتراضات مردم را بوسیله کرونا می‌گیرد. جنگ اجتماعی در مقابل مرگ کرونایی، وظیفه‌ای ضروری است و باید در جنگ علیه کرونا به همبستگی اجتماعی و خود سازماندهی و در مرحله پایانی نیز اقدامات خودسازمانی سراسری ملیت‌ها علیه ولایت فقیه مبدل سده و خامنه‌ای و کرونا همراه با هم به زیاله‌دان تاریخ انداخته شوند!

انکار، بی فایده و خطرناک است، باید به فکر راه حل بود

مفتار نقشبندی

با آغاز دور جدید درگیری‌ها میان آذربایجان و ارمنستان آذری‌های ساکن ایران در حمایت از کشور آذربایجان به خیابان‌ها آمدند و در دنیای مجازی هم تقریباً در تمام پیج‌های مهم اینستاگرامی و فیسبوکی با تمام توان از حقوق آذری‌ها دفاع کردند و این واکنش آذری‌ها قابل درک است اما چیزی که نگران کننده است شعارهای تنفر آمیز آنان بر ضد دیگر ملت‌ها از جمله ملت کورد و ملت فارس و همچنین دیدگاه و ایده اشتباه و خطرناک آنان برای حل مشکلات بود. متأسفانه عده‌ای سعی می‌کنند که این مسائل را کوچک و بی اهمیت نشان دهند اما واقعیت این است که افراط گرایی در میان آذری‌ها به سرعت در حال گسترش است و با انکار این واقعیت نه تنها نمی‌توان از افراط گرایی رو به افزایش جلوگیری کرد بلکه فرصت را برای درمان و حل این مشکل از دست خواهیم داد. اینکه ترک‌های آذری خواستار حقوق

بلکه در مورد فارس‌ها در شهرهای مورد اختلاف از نظر جغرافیایی هم استفاده می‌کنند و این بسیار خطرناک است چون مهمان دارای هیچ نوع حق مالکیت و حقوقی نیست و این یعنی در صورتی که بتوانند تمام غیر ترک‌ها را از آن

در خاورمیانه برای نسل‌کشی از واژه مهمان برای ساکنان هزاران ساله سرزمین‌ها استفاده می‌شود. احساسات ملی گرایانه و تلاش برای برابری با نژادپرستی کاملاً متفاوت است و افراط گرایی و نژادپرستی جز ضرر و ایجاد تنفر

گرایانه و حق طلبانه در میان ملت کورد افزایش یافته و در مقابل اشغالگران کوردستان ضمن هزینه‌های میلیارد دلاری برای سرکوب کوردها امتیازات زیادی هم به قدرت‌های فرا منطقه‌ای داده‌اند تا در مقابل جنایاتشان

و نه حذف صورت مسئله باشیم. متأسفانه بخشی از اپوزسیون مرکزگرا در ایران ضمن سانسور کامل اخبار مربوط به ملت‌های ایران هرگونه صحبت درباره این مسائل را به نفع رژیم می‌دانند و ادعا می‌کنند که بیان این مسائل

و فدرال زندگی کنند یا خواهان استقلال هستند؟ اگر حق تعیین سرنوشت برای ملت‌ها به رسمیت شناخته شود بدون هیچ ترسی و با شفافیت می‌توان تمام مسائل و مشکلات را حل کرد و حتی از دخالت دیگر کشورها در این

بخشی از سیاسیون و فعالین ترک از واژه مهمان نه تنها برای کوردها بلکه در مورد فارس‌ها در شهرهای مورد اختلاف از نظر جغرافیایی هم استفاده می‌کنند و این بسیار خطرناک است چون مهمان دارای هیچ نوع حق مالکیت و حقوقی نیست و این یعنی در صورتی که بتوانند تمام غیر ترک‌ها را از آن مناطق بیرون می‌کنند!

برابر با ملت فارس و یا حتی استقلال کامل مناطق ترک‌نشین ایران باشند خواسته‌ای معقول و حق آنان است اما متأسفانه برخی از ترک‌ها مسائلی را بیان می‌کنند که نه تنها جزء حق و حقوق ملی آنان نیست بلکه نژاد پرستانه و خطرناک است. برای نمونه جغرافیای مناطق ترک نشین را بر اساس منابع تاریخی که تنها مورد تأیید خودشان است تعیین می‌کنند و تمام ساکنان این مناطق از جمله کوردها و فارس‌ها و ارمنی‌ها و ... را مهمان می‌نامند! بخشی از ترک‌های ساکن ایران که استفاده از واژه آذری را هم بی احترامی می‌دانند به کمتر از استقلال مناطق ترک‌نشین از ایران راضی نیستند اما همین افراد در مورد کوردستان باکور (کوردستان تحت تسلط ترکیه) نظری کاملاً متفاوت دارند و نه تنها از حداقل حقوق کوردها در چهار چوب یک سیستم فدرال در ترکیه حمایت نمی‌کنند بلکه همچون رهبران سیاسی ترکیه وجود سرزمین کوردستان را انکار می‌کنند و از واژه مهمان برای کوردها استفاده می‌کنند و متأسفانه در زمان حمله ترکیه به روژناوا (کوردستان سوریه) از حمله اشغالگرانه رژیم ترکیه حمایت می‌کردند و در دنیای مجازی با انتشار ویدئوهای سلام نظامی از ارتش ترکیه حمایت می‌کردند! بخشی از سیاسیون و فعالین ترک از واژه مهمان نه تنها برای کوردها

مناطق بیرون می‌کنند! اینکه منطقه قره باغ متعلق به سرزمین آذربایجان است یا ارمنستان و فلان شهر متعلق به کوردستان است یا آذربایجان و یک بحث است و حق شهروندی ساکنان آن مناطق یک بحث

هیچ دستاوردی برای هیچ ملتی نداشته است. اگر به تمام رفتار و اعمال نژاد پرستانه‌ای که در همین چند دهه گذشته اتفاق افتاده نگاه کنیم می‌بینیم که به دلیل بی سوادی و ناآگاهی از مسائل جهانی و نداشتن بصیرت و

سکوت کنند. باید به جای انکار مشکلات به فکر راه حل باشیم، باید با دید واقع بینانه به مسائل نگاه کنیم و این را درک کنیم که ما تنها بازیگران این منطقه نیستیم و قدرت‌های فرامنطقه‌ای از همه این مشکلات استفاده کرده

باعث ترس مردم خواهد شد و آنان را از هر اقدامی برای سرنگونی رژیم پشیمان خواهد کرد اما این توجیهات کاملاً اشتباه هستند. نباید چشمان خود را به روی واقعیات و حوادث ببندیم و هیچ برنامه‌ای برای آینده نداشته باشیم.

مسائل جلوگیری کنیم. اکثریت مردم اسکانلند با خواست و رضایت خود و با در نظر گرفتن منافع و مصالح اقتصادی و امنیتی به استقلال آن سرزمین رأی منفی دادند نه با زور و تهدید، باید اپوزسیون ایرانی و روشنفکران به جای حذف صورت مسئله با دفاع از حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و به جای بحث های بیهوده بر روی این موضوعات تمرکز کنند که آیا باهم بودن به نفع ملت‌ها است یا استقلال آنها. مسلماً در یک جو سالم و به دور از نفرت پراکنی و افراط گرایی می‌توان برای همه مسائل و مشکلات راه حل درست

و عادلانه پیدا کرد. با توجه به ساختار سیاسی جهان که کشورها بر اساس منافعتشان با همدیگر در ارتباط هستند و با توجه به تغییر موازنه قدرت در جهان به دلیل رشد اقتصادی بیشتر کشورهای جهان سوم به نسبت کشورهای پیشرفته، اگر مردمان خاورمیانه نتوانند با احترام به حقوق همدیگر متحدانه در سطح جهان با قدرت های بزرگ وارد رقابت شوند در چند دهه آینده خاورمیانه یکی از زمین‌های بازی و رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای خواهد شد که جز بدبختی و رنج چیزی عاید مردمان خاورمیانه نخواهد شد. انکار مشکلات بی فایده و خطرناک است، از هم اکنون باید به فکر راه حل باشیم، اتحاد و برادری تنها با برابری و یکسانی امکان پذیر است.

مهاجرانی که از نقاط مختلف جهان به کشورهای غربی پناهنده می‌شوند بعد از چند سال برای نمونه در نروژ بعد از ۷ سال شهروند آن کشورها می‌شوند اما متأسفانه در خاورمیانه برای نسل‌کشی از واژه مهمان برای ساکنان هزاران ساله سرزمین‌ها استفاده می‌شود.

دور اندیشی بوده است. برای نمونه جنگ‌های داخلی یوگسلاوی که اگر رهبران آن کشور به جای پافشاری بر افراط گرایی به حقوق و نظر مردمان آن منطقه احترام می‌گذاشتند آن جنگ‌های خونین و خانمان سوز روی نمی‌داد و الان

و خواهند کرد. هر نوع اختلاف شدید و درگیری میان ترک‌های آذری و کورد در ایران به نفع رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود.

راه حل چیست؟ چه کار باید بکنیم؟

باید اپوزسیون ایرانی و روشنفکران به جای حذف صورت مسئله با دفاع از حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و به جای بحث‌های بیهوده بر روی این موضوعات تمرکز کنند که آیا باهم بودن به نفع ملت‌ها است یا استقلال آن‌ها.

مسالمت آمیزی برای حل مسئله ملت‌ها پیدا کنیم، بهترین‌ها راه حل به رسمیت شناخت حق تعیین سرنوشت است و مردمان ملت‌های ایران باید خودشان تصمیم بگیرند که آیا حاضر هستند در چهار چوب ایران با یک سیستم غیر متمرکز

ابتدا باید بپذیریم که در ایران چندین ملت وجود دارند که مردمان آن ملت‌ها از تبعیض رنج می‌برند و صداها و درخواست‌های استقلال طلبانه در بین آنان در حال افزایش است و سپس باید به فکر راه حلی برای حل این مسئله

همه آن کشورها از نظر اقتصادی شرایط بسیار خوبی داشتند. نمونه دیگر سرکوب ملت کورد است که هر چند اشغالگران کوردستان به ملت کورد ضربات زیادی وارد کرده‌اند اما نه تنها ملت کورد نابود نشده بلکه احساسات ملی

از واژه مهمان برای ساکنان یک منطقه شرم آور و خطرناک است، مهاجرانی که از نقاط مختلف جهان به کشورهای غربی پناهنده می‌شوند بعد از چند سال برای نمونه در نروژ بعد از ۷ سال شهروند آن کشورها می‌شوند اما متأسفانه

گرایش و اتحاد یا گریز و جدایی؟



پابوون

بحث، مطرح نمی‌کند. ساخت سیاسی کورد تقریباً شبیه همه دنیا، از بلوک قدرت مردم تشکیل شده که در درون آن تضادهایی نیز دیده می‌شود. از انشعابات احزاب کورد بدین سو، این بلوک به آرامی به سمت کاهش تضادهای درونی خود پیشرفته است و به وضوح منازعه پرتنش که در دهه شصت و حتی هفتاد شاهد بودیم، هم‌اکنون دیده نمی‌شود. اجبار و سازش درنهایت، گونه‌ای توافق بعضاً نانوشته را پدید آورده که موجب شده است نظام سیاسی، بیش از هر زمان دیگری، طی چهل ساله اخیر، قدرت نمایندگی جامعه مدنی را از دست بدهد. بحران کرونا مسئله سلامت را در اولویت اول همه قرار داده است. برای کاهش هزینه این بحران، هرچه بیشتر خالی از شائبه‌های امنیتی و سیاسی شود. در کنار این موضوع، ادامه تحریم‌های آمریکا و کاهش بهای نفت و کسری بودجه، همگی حکایت از تضعیف و شکست حکومت دارد. متأسفانه سلطه بی‌دلیل مؤلفه‌های امنیتی، در همه عرصه‌های مدیریت کشور، باعث می‌شود چنین توصیه‌هایی در حد حرف باقی بماند. از سوی دیگر، گستره فقر و فقدان آزادی‌های اساسی، ایجاب می‌کند تا گروه‌های سیاسی با تأکید بیشتر بر مواضع انتقادی، کمی از فاصله خود با مطالبات جامعه مدنی ایران بکاهند و در عین حال با سازماندهی بیشتر و طراحی برنامه‌های آترناتیو، خود را برای تحولات احتمالی آینده آماده کنند. به واقع احزاب کورد باید با تکیه بر ملتشان و مدیریت و تشخیص صحیح وضع موجود بهترین تصمیم را برای آینده کوردستان بگیرند.

ذهن کوردی؛ رهایی یا گرفتار بودن آن



هۆگر

روبرو شدن با مسئله رهایی یا گرفتار بودن ذهن کوردی نیازمند کنش و عدم کنش کوردی است. کنش کوردی نیز، نیازمند شناخت عقلانیت کوردی و پرسش از عقلانیت کوردی، نیازمند پرسش از وجودیت هویت کوردی است. لذا شناخت این زنجیره تسلسل علت باید با پرسشی اگزیستانسیال روبه‌رو شود.

لذا در اینجا بدون پرسش از

بر شناخت «خود»، دیگری را نیز مرزبندی می‌کند. از این رو گذرکردن از این مرحله، ذهن کوردی را با مسئله پرسش «از خود» روبه‌رو می‌سازد. فی‌الواقع، در این مرحله، روبه‌رو شدن با مسئله بحران است. لذا این بخش، بخشی ملموس و اونتیک است که شناخت و درک از بحران را به پرسش روبه‌رو می‌کند (این مرحله را نباید با مرحله پیشین که پرسشی اونتولوژیکی است، اشتباه گرفت). در نتیجه روبه‌رو شدن با موجودیت خود، ذهن کوردی را وارد مرحله آخر، یعنی پرسش

معنای عام، بلکه بر جنبش‌های کوردی نیز هنوزحکم‌فرماست. به بیانی دقیقتر، شکلی از ادبیات «من به تو احتیاج دارم و بدون تو توان زیستن ندارم» بر ذهن و زبان جامعه کوردی به شکل خودآگاه و ناخودآگاه جاری می‌شود. اما جای تعجب، مستثنی نبودن حزب کوردی از این شکل از گرفتار بودن و به دام افتادن فاجعه است. اگر چه فلسفه اصلی حزب کوردی شکل‌گیری دولت کوردی در مقابل دیگری‌های هژمونیک محور بوده و هست، اما این شکل از فلسفه به تنهایی کارآمده

مادر سوگواری می‌کند». لذا این شکل از ادبیات، عقلانیت کوردی را در دامن گفتن‌مان‌محور پارسی جستجو می‌کند. دلیل دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد عدم عقلانیت کوردی بدون دیگریت، یعنی چه؟ بدین معنی، زمانی ما از دولت کوردی سخن به میان می‌آوریم، فقط به معنای مرزهای خط کشیده نیست بلکه لازم است که از نظر فکری از چنین ادبیات‌هایی رهایی یابیم، چراکه مفهوم «کوردستان ایران» به معنای «شکل‌گیری من (دولت کوردی) درون گفتن‌مان تو تحقق

اگر چه فلسفه اصلی حزب کوردی شکل‌گیری دولت کوردی در مقابل دیگری‌های هژمونیک محور بوده و هست، اما این شکل از فلسفه به تنهایی کارآمده نبوده، بلکه نیاز به دانشی دارد که مفاهیم را به طور دقیق آنالیزه و تولید کند.

چیستی کوردی، کنش کوردی نیز دچار اختگی می‌شود. به همین خاطر، این شکل از پرسش هستی شناختی باید در چارچوب سه پرسش اساسی، یعنی روبه‌روشدن با «خود»، «از خود» و «برای خود» باشد.

از این رو، زمانی که «خود» در تعریفی اپیستمولوژیک توان تولید

«برای خود» می‌کند.

در این مرحله ذهن کوردی نباید اجازه به دخالت از سوی غیریت‌های کوردی دهد چرا که پرسش برای خود باید مستقل و به دور از دخالت دیگری‌ها شکل بگیرد. چرا که با دخالت ذهن‌های غیر خودی، علاوه بر انحراف، مفاهیم خودساخته‌ایی را با خود به

نبوده، بلکه نیاز به دانشی دارد که مفاهیم را به طور دقیق آنالیزه و تولید کند. به همین خاطر، بینش کوردی نیاز به پرسپکتیوی دارد که نه‌تنها در پراکسیس کوردی، بلکه در ادبیات حاکم بر سوژکتیویته خود، خود را به تصویر بکشد. از این رو باید به چند نکته در این باب توجه

می‌یابد « (دولت فدرال).

دلیل دیگری که می‌توان آن را تشریح کرد، مفهوم مستقل کوردستان است، یعنی چه؟ مفهوم کوردستان مرزهای معاصر را در هم می‌شکند و خود را از گفتن‌های مرکز رها کرده و مفهوم ملت (کوردهای مناطق ترکیه، سوریه، عراق و ایران) را شکل می‌دهد.

زمانی ما از دولت کوردی سخن به میان می‌آوریم، فقط به معنای مرزهای خط کشیده نیست بلکه لازم است که از نظر فکری از چنین ادبیات‌هایی رهایی یابیم، چراکه مفهوم «کوردستان ایران» به معنای «شکل‌گیری من (دولت کوردی) درون گفتن‌مان تو تحقق می‌یابد « (دولت فدرال).

لاجرم باید اشاره کرد که شاید این مباحث را زیاد جدی نگرفته و آن را کنشی افراطی قلمداد کنند اما رهایی ازچنین ادبیاتی، قدمی رو به جلو برای نزدیکی ذهن و عمل کوردی، برای تحقق دولت کوردیست. از این منظر هر گونه واکاوی به شکل رادیکال، کارآمدتر از یک عمل رادیکال بدون بینش است. لکن پرسش فلسفی و هستی شناختی مرحله آغازین برای رهایی ذهن کوردی و نفی دیگری است.

کنیم که به صورتی ناخودآگاه در ادبیات کوردی تحت عنوان «من خودم را در آغوش تو می‌بینم و بدون تو هیچم» بر ذهن کوردی حاکمیت می‌کند، چگونه؟ برای نمونه زمانی که از «کوردستان ایران» سخن به میان می‌آید، اولی مشابه خرد واژه شناخته می‌شود و دومی به مشابه کلان و سوژه (ایران) محسوب می‌گردد. در واقع این همان حکایتیست که فروید در مورد رابطه مادر و فرزند اشاره می‌کند: «بچه در نبود

درون این معادله می‌کشانند. لاجرم هرگونه تخطی از این معادله، ذهن کوردی را گرفتار عدم پرسشگری و هضم شدن در دیگری می‌کند. بر این اساس باید گفت ذهن کوردی هنوز در مرحله عدم پرسشگری است، اگر چه وارد کنش شده است اما چنین عقلانیتی هنوز گرفتار چارچوب مرزی و کلان گفتن‌های مرکزگراست. ادبیات هژمونیک محوری بر بینش کوردی حاکم است. این شکل از ادبیات نه‌تنها بر جامعه کوردی به

«خود واحد» را داشته باشد، می‌تواند ذهن کوردی را آماده پرسش «من کیستم؟» کند. اما باید خاطر نشان ساخت که مسئله تعریف «خود» نیازمند مرزبندی با یک «دیگری» است. به تعبیری، اگر توان جدا شدن از دیگری را نداشته باشد و مسئله ماهوی بودن هویت را در چارچوب هویتی دیگر یا گفتن‌مانی دیگر جستجو کند، دچار بحران تعریف و تولید بحران معنایی می‌شود. لذا این شکل از مرزبندی علاوه

فقره‌قا در سایه سیستم فاسد حاکم، به سوی نابودی تدریجی پیش رفته است

کردستان میدیا

پناهگاه‌ها و مأمن صخره‌ای و غارهای باستانی نخستین بار در عصر پارینه سنگی (پالئولیتیک) مورد استفاده مردم قبل از تاریخ و سپس دوران تاریخی قرار گرفته است. در هزاره اول قبل از میلاد است که ما در منطقه شاهد استفاده خیلی گسترده از معماری صخره‌ای و حجاری نقش برجسته‌ها توسط امپراتوری اورارتو برای ساخت مقبره‌های خانوادگی این سلسله می‌باشیم و به نظر می‌رسد یکی از منشأهای گوردخمه‌سازی در ایران ریشه در سنت اورارتویی داشته باشد (ملازاده، ۱۳۹۳، ۳۲۳-۳۲۴). این نوع معماری در آناتولی سابقه طولانی داشته و این معماری در قالب روستاها و آبادی‌های ساخته شده سنگی تا دوره‌ی حاضر ادامه یافته است. در این ناحیه از معماری صخره‌ای برای ساخت فضای مسکونی، مقبره، قلعه‌ها و استحکامات نظامی، کاروان سراه، کلیساها و فضاهای دینی مختلف استفاده شده است. احتمالاً کهن‌ترین مکان‌های سنگی- صخره‌ای ساخته شده در مناطق مرکزی آسیای کوچک و در دوران امپراتوری «هیتی» است. این سنت در هزاره اول ق.م و توسط اورارتویی‌ها، فریژی‌ها، کلیکیه‌ای‌ها و لیسیه‌ای‌ها ادامه می‌یابد.

گوردخمه فقره‌قا بعنوان یک گوردخمه باستانی در شهر مهاباد در استان اورمیه واقع شده است که توسط تعدادی ازباستان‌شناسان و پژوهشگران غربی و ایرانی از جمله ژاک دومورگان، دیاکونوف، گیرشمن، اورول-استین، هرزفلد، فون- گال، مصطفوی، سرافراز و فیروزمندی، ملازاده و حاکمی مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به وجود مانا به عنوان یک دولت مقتدر در منطقه مهاباد و سایت‌های غنی «مانایی» مانند «حسنلو»، «قلاچی»، «زبویه» و به ویژه سامانه‌های «برده کنته» مهاباد و «قلابردینه» بوکان و همچنین ارتباط سفال ها و نمونه قبرهای فخریکا با قبرها و سفال‌های مشابه با نمونه‌های برده کنته و قلابردینه می‌توانیم چنین استنباط کنیم که گوردخمه فخریکا در بازه زمانی قرن ۶ و ۷ ق.م و توسط یکی از پادشاهان «مانایی» ساخته شده است.

گوردخمه فقره‌قا در اکثر منابع تحت عنوان گوردخمه مادی مورد مطالعه قرار گرفته است که تردیدی جدی در این انتساب وجود دارد. با شکل گیری پادشاهی مانا حداقل از اوایل هزاره اول تا قرن ۷ ق.م که بر گستره‌ای وسیعی از شمال غرب ایران حاکمیت داشته است (ملازاده) و با توجه به بررسی ها و کاوش‌های علمی باستان‌شناسی

که در قلمرو این پادشاهی صورت گرفته، مشخص شده است که هسته مرکزی این دولت در حوزه جنوبی دریاچه ارومیه با محدوده پیرامونی شهرهایی مانند بوکان، سقر، مهاباد، سردشت و نقده منطبق بوده است. به طورکلی منطقه مهاباد در هزاره اول ق.م بخش اصلی و مرکزی قلمرو پادشاهی مانا را شامل می‌شده و این وضعیت حداقل تا اوایل قرن ۶ ق.م تداوم یافته است (ملازاده، ۱۳۹۳. ۳۶۹).

•سابقه‌ی تحقیقاتی در مورد تیره‌ی ماننایی بعنوان یکی از تیره‌های ماد بزرگ

آشنایی با سرزمین و نام دولت مانا از طریق کتیبه‌های آشوری شالمانسار سوم متعلق به ۸۴۳ ق.م بوده است. مطالعه در مورد فرهنگ و هنر مانایی با کشف اتفاقی آثاری از قلعه زبویه در سال ۱۳۲۵ شمسی آغاز شد. بعدها کاوش حسنلو توسط هیأت باستانشناسی دانشگاه پنسیلوانیا به سرپرستی رابرت دایسون در سال ۱۹۵۶ م. و انتساب استقرار چهارم آن به دوره ماننا، مطالعات این دوره را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار ساخت.

بررسی‌های علمی قلعه زبویه به ویژه چندین فصل کاوش نصرت الله معتمدی منجر به کشف آثار یک قلعه ماننایی- مادی در سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۷۳ شمسی شد. ادامه مطالعات ماننایی با کشف آثار معماری مسکونی و نظامی در اطراف و دامنه‌ی کوهستان «زندان سلیمان» توسط هیأت باستان شناسان آلمانی گسترده‌تر شد کاوش‌ها و تحقیقات در این زمان با کشف قلعه‌ی قلاچی در سال ۱۳۶۴ و انجام حفاری‌های باستان‌شناسی در آن توسط اسماعیل یغمایی و بهمن کارگر منتهی به کشف آثار

معماری دینی ماننا و آجرهای لعابدار منقوش بسیاری گردید. نخستین گورستان ماننایی در روند مطالعات این فصل در سال ۲۰۰۱ با کاوش محوطه‌ی کول- تاریکه توسط حسن رضوانی، اطلاعات مهمی را درباره شیوه تدفینی مانناییان ارائه داد. جدیدترین محوطه ماننایی حفاری شده، تپه‌ی ربط سردشت در کناره‌ی رود «زاب» کوچک است که توسط بهمن کارگر و رضا حیدری مطالعه شده است. نقوش برخی از آجرهای لعابدار این تپه قابل مقایسه با انواع نقوش‌های آجرهای قلاچی بوکان بوده و از هنر آشور- نوین همچنین الهام گرفته است. (علیزاده، فیروزمندی، ۱۳۹۲: ۹۴).

نام ماننا برای اولین بار در سال ۸۴۳ ق.م و در خلال سرزمین‌هایی که در مسیر لشکرکشی شالمانسارسوم قرارگرفته بودند، ذکر شده است (Luckenbill، ۱۹۲۶. ۲۰۹)) ذکر ماناها در منابع آشوری به صورت «مونا»، «ماننا»، «مانناس» آمده است (فیروزمندی). متون آشوری در ارتباط با ماننا بیشترین اطلاعات را ارائه می‌کند و از این نظر در جایگاه‌مهم‌ومتفاوتی قرار می‌گیرد و آنها را می‌توان به سه دسته‌ی کلی بایگانی‌ها و آرشیوهای دولتی، سالنامه‌ها و گزارش‌های لشکرکشی، نوشته‌های تبلیغاتی و نقش برجسته‌های حجاری شده تقسیم کرد (ملازاده). در کتیبه‌های اورارتویی به شکل «منا» و در متون بابلی به شکل «میننی» آمده است. در کتاب ارمیای نبی نیز در کنار ممالک آارات و اشکناز، از مملکت «منی» سخن رفته است. در منابع آشوری، «ماننا» را کشور قبایل ماننایی(مات - ماننایی) نامیده‌اند در حالی که در منابع اورارتویی از ماننا به

عنوان کشوری مستقل سخن به میان آمده است (فیروزمندی) ماننا بزرگترین و معروفترین دولت و حکومت قبل از پادشاهی ماد در شمال غرب ایران می‌باشد که شکل گرفته است. سال ۸۴۳ دقیقاً اولین سال و اولین برخورد آشوری‌ها با مانناییها ثبت شده و گرته دولت ماننا قبل از این تاریخ نیز در منطقه حضور داشته است که متأسفانه در حال حاضر مدارک مکتوبی از آن در دست نداریم.

•موقعیت جغرافیایی منطقه اثر مورد مطالعه

گوردخمه‌ی فقره‌قا در ۱۲ کیلومتری شمال شرقی مهاباد و ۵ کیلومتری شمال جاده مهاباد – میاندوآب با مختصات نقاط جغرافیایی ۳۶ درجه، ۵۰ دقیقه و ۳۵/۰۸ ثانیه شمالی و ۴۵ درجه و ۴۶ دقیقه و ۲۶/۸۷ ثانیه شرقی بر قلب کوهی آهکی و سنگی در شمال روستای ایندر- کش قرار گرفته است و به دشت پربرکت و حاصلخیز «شار- وِژران» و رودخانه مهاباد در آن اشرف دارد. این گوردخمه به شماره ۲۸۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (افخمی، ۱۳۷۳: ۷۷). مکانی که گوردخمه‌ی فقره‌قا در آن واقع شده، به صورت صخره‌ای یک‌دست و متشکل از جنس آهک که از سطح دشت تا بالای تپه سربرآورده است، تشکیل شده است. وجود زمین‌های کشاورزی و باغات میوه‌ی سیب در چهار طرف و وجود منظره و دورنمایی نسبتاً وسیع، زیبایی و شکوه خاصی به بنا داده است. محل مذکور از جنبه‌ی مطالعات و بررسی‌های باستان شناسی اهمیت ویژه ای دارد به گونه‌ای که وجود بقایای ویران شهری به اسم «شار- وِژران» و آوردن نام این شهر در کتاب جغرافیایی «بظلمیوس»



به اسم «دارو- شا» حاکمی از اهمیت منطقه در جهان کهن دارد (ع، بیات، ۱۳۶۷: ۲۵۹). «دومورگان» هم در بازدید خویش از این مکان از بازمانده و بقایای پراکنده‌ی یک شهر باستانی در مجاورت گوردخمه‌ی «فقره‌قا» ذکر به میان آورده است. (دومورگان، ۱۳۳۹: ۴۶).

وجه تسمیه این اثر باستانی اهالی ایندر- کش معتقدند که این محل ، مکانی است که فرهاد به خاطر عشق شیرین سر به کوهستان می‌نهد و آن جا را حجاری می‌کند و آن را «کوشک فرهاد» می‌نامند. گوردخمه‌ی «فقرقا» در زبان فارسی به صورت فخریکا و در زبان کوردی و محلی مردم اطراف به شکل فقرقا تلفظ می‌شود و طبق نظر مردم روستای اثر به معنی مکانی باشکوه است. محل قرار گیری گوردخمه فقره‌قا در روستای ایندر- کش واقع شده که در زبان کوردی به معنی شعله (آتش) آبی می‌باشد.

•تاریخچه اکتشاف فقره‌قا

این گوردخمه‌ی سنگی تا بحال توسط پژوهشگران، مستشرقان و باستان شناسان اروپایی و غربی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. افرادی که از این اثر بازدید کرده‌اند عبارتند از: سال ۱۸۳۸ سرهنری راولینسن؛ سال ۱۸۹۶ ژاک دمرگان؛ سال ۱۹۰۸ هوزینگ، سال ۱۹۱۰ زاره و ارنست هرزفلد و دوباره در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ – ۱۹۴۱ هرزفلد از این مکان بازدید و در مورد آن مقالاتی نوشته است. در سال ۱۹۴۰ اورول- استین از «فقره‌قا «بازدید کرده و مطالبی در مورد آن نوشته است. پروفسور فون- گال در سال ۱۹۶۶ و دیتریش - هوف باستان‌شناس آلمانی در سال ۱۹۷۱ از این گوردخمه بازدید کرده‌اند. از باستان‌شناسان ایرانی هم سیدمحمد

تقی مصطفوی، علی حاکمی، آقایان. فیروزمندی، سرفراز و غلامرضا- معصومی از این دخمه بازدید کرده و مطالبی در مورد آن نوشته‌اند (معصومی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

• **موقعیت و ویژگی‌های کلی اثر**
گوردخمه‌ی «فقره‌قا » در دل تخته سنگ بزرگ و مضرص و صخره‌ای قرار گرفته است که در میان دشت «شار- ویران» و باغات سیب خودنمایی می‌کند. برای دسترسی نزدیک به گوردخمه باید حدود ۲ کیلومتر از میان باغات سیب را پیاده یا با ماشین طی کرد. صخره‌ای که گوردخمه‌ی «فقره‌قا» در آن کنده شده متشکل از لایه‌های رسوبی است و بلندی آن از پایین صخره تا بالاترین قسمت یعنی لبه‌ی ایوان ورودی در حدود ۵/۳۰ متر می‌باشد. در دل صخره‌ی مزبور، گوردخمه‌ی «فقره‌قا» با ابعاد ۶ × ۶ متر ساخته شده است . طرح معماری گوردخمه «فقره‌قا» نمونه منحصر به فردی است؛ زیرا دارای چهار ستون آزاد بوده و فاقد دیوار جدا کننده‌ی فضای ایوان از فضای تدفینی و درگاهی است که مانع ورود به داخل گوردخمه شود. این گوردخمه همچنین از نظر تکنیک حجاری، داشتن فضای باز و چشم انداز زیبا به دره‌ی مقابل، از دیگر گوردخمه‌های ایرانی (حتی نمونه‌های هخامنشی) متمایز می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد به سنت متفاوتی از معماری یعنی مادها تعلق داشته است (استاد، محمود- پدرام).

طرح داخلی گوردخمه شامل فضای مستطیل شکل بزرگی است که با پشتبندها یا دیوارک‌هایی کوچک و پله‌هایی با اختلاف سطحی، به چند بخش مجزا متشکل از (ایوان یا فضای ورودی، اتاق میانی و اتاق تدفین) تقسیم می‌شود. پوشش سقف گوردخمه مسطح بوده، زاویه‌های قائمه و خوش تراشی نیز دارد. به طور کلی، گوردخمه‌ی «فقره‌قا» از سه قسمت ایوان یا فضای ورودی، اتاق میانی و اتاق تدفین تشکیل شده است. برای ورود به گوردخمه باید از نردبان و طناب استفاده کرد اما بدون این وسایل هم به سختی می‌توان به داخل آن راه پیدا کرد. ولی به جوانان محلی ایندر- کش و اطراف بدون نردبان و طناب و با نهایت چابکی به داخل آن وارد می‌شدند و به وسیله طنابی که به پایه ستون‌های ورودی اتاق میانی بسته بودند پایین می‌آمدند. قسمت پایین فضای ورودی را صاف کرده‌اند تا مردم نتوانند به داخل آن راه پیدا کنند. متأسفانه جنس صخره‌هایی که گوردخمه‌ی «فقره‌قا» در آن احداث شده از نوع آهکی و این

ادامه در صفحه ۷

ادامه صفحه ۶

مسئله باعث از بین رفتن ورودی بنا به مرور زمان‌های طولانی شده است. هر چند وجود برآمدگی فضای ورودی باعث شده که در طول زمان آسیب جدی به داخل گوردخمه وارد نشود زیرا از وجود برف و باران و ریزش‌های جوی به داخل بنا جلوگیری می‌کند.

فضای ورودی یا ایوان به طول ۷/۳۰ متر و عرض ۱/۳۰ متر و ارتفاع ۲/۸۰ متر از کف ورودی تا سقف نسبت به بقیه ی گوردخمه به دلیل مجاوربودن با هوای بیرون، فرسایش بیشتری پیدا کرده است این فضا در مقایسه با فضای داخلی و نیز قسمت تسطیح شده پایینی اندکی عرض بیشتری دارد. در اطراف فضای مذکور تاقچه‌های‌های سنگی دو پله‌ای در دو طرف ساخته شده است.

فضای ورودی یا ایوان توسط دو جرز پیش آمده، یک پله و نیز دو ستون قرار گرفته بر روی پله مذکور از اتاق میانی جدا می‌شود.

فضای اتاق میانی ابعاد به طول ۵/۹۷ متر و عرض ۲/۶۷ متر و ارتفاع آن ۲/۵۹ متر از کف تا سقف می‌باشد. ستون‌های این فضا با ساق‌های به ارتفاع ۱/۹۰ متر و قطر ۱/۷۷ متر و پایه ستون‌های گلدانی‌شکل به‌صورت وارونه و سر ستون‌هایی که متأسفانه به علت ریزش‌های جوی دچار فرسایش و آسیب زدگی‌های شیدیدی شده و بازسازی آنها ممکن نیست.

فاصله بین دو ستون فضای مذکور در حدود ۱/۱۰ متر است. در قسمت راست این فضا نیمکت یا سکویی به طول ۲/۶۰ متر و با عرض و ارتفاع ۳۰ × ۳۰ سانتیمتر وجود دارد اما فضای سمت چپ فاقد سکو می‌باشد. سقف فضای مذبور برخلاف اتاق تدفین صاف و یکپارچه می‌باشد. این فضا به وسیله دو دیوار کوتاه جلو آمده، دو پله با اختلاف سطح ۵۰ سانتیمتر هر کدام با ارتفاع ۲۵ سانتیمتر و همچنین با دو ستون قرار گرفته بر این پله‌ها، از اتاق تدفین جدا می‌شود.

اتاقک تدفین به طول ۶/۵۰ متر و عرض ۲/۵۷ متر و ۲/۱۰ سانتی متر عمق نزدیک به ۵۰ سانتی متر نسبت به اتاق میانی ارتفاع دارد. این فضا به وسیله ی دو پله با ارتفاع ۲۵ سانتی متر و عرض ۲۷ سانتی متر و همچنین با دو ستون با ساقه‌ای به ارتفاع ۱/۶۰ متر و قطر ۱/۸۳ متر با پایه ستون‌های مکعبی شکل به ابعاد ۵۸ × ۶۰ و ارتفاع ۲۳ سانتی متر و سرستون‌های با طرح ویژه از فضای اتاق میانی جدا می‌شود.

در کف آن دو قبر وانی‌شکل کوچک که یکی در سمت راست گوردخمه به طول ۱۴۰ متر و عرض ۸۵ سانتیمتر و عمق ۶۳ سانتیمتر با جهت شمالی،جنوبی که داخل آن بر اثر تراواشات پر از آب می‌باشد و دیگری قبری بین قبر وانی‌شکل سمت راست و قبر بزرگ، به طول ۱۳۶ متر و عرض ۸۶ سانتیمتر و عمق ۷۲ سانتیمتر با جهت شمالی،جنوبی است. فاصله ی بین دو قبر مذکور در حدود ۱ متر می‌باشد.

در سمت چپ گوردخمه، قبر بزرگی به طول ۲/۶۵ متر و عرض ۱/۴۰ متر و عمق ۶۰ سانتی

متر با جهت شرقی، غربی که در آن حفاری‌های غیر مجازی صورت گرفته بود، واقع می‌باشد. فاصله ی بین قبر کوچک وانی شکل وسط با قبر بزرگ سمت چپ ۱/۱۰ متر می‌باشد. قبرها برای قرار دادن درپوش، لبه‌ای به عرض ۱۰ سانتی متر و عمق ۱۷ سانتی متر داشتند. در حد فاصل قبرها، شیارهایی ایجاد شده‌اند تا مانع از ورود آب های تراوش شده صخره به داخل قبرها شوند که یکی از این شیارها با ایجاد قبر بزرگ، بریده شده است. قبرهای مذکور قبر پادشاه، زن و فرزندانش می‌باشد. به نظر می‌رسد تدفین در قبرهای کوچک به صورت چمباتمه‌ای یا جمع شده بوده است. دلیل بزرگی قبر پادشاه دفن آن با اثاثیه بوده است! سقف و دیوارهای این فضا به دلیل تراواشات آب دچار فرسایش و هوازدگی شده است.

پروفوسور «هوف» با بررسی این قبرها احتمال داده که در اصل چهار قبر یکسان در اینجا وجود داشته است که در یک مقطع، دیواره میان دو قبر را برداشته و آن را به قبر بزرگی تبدیل کرده اند. کم عرض شدن قبر بزرگ در قسمت میانه‌ای، همراه با تراش خشن این قسمت، اختلاف در قالب بندی لبه و موارد دیگر دلیل این فرضیه است. دلیل این تغییر مطمئنا ناشی از نیاز به فضای بیشتر بوده است (Huff۱۹۷۱). شاهپور شهبازی و فون- گال کوچک بودن دو قبر این گوردخمه را که اجازه تدفین درازکش نمی‌داده است دلیل استودان بودن آنها و نیز متأخر بودن گوردخمه مطرح کرده‌اند.

•**فقره‌قا و سبک معماری بومی**
طبق مستندات «دیاکونوف»، گوردخمه فقره‌قا تقلیدی از خانه‌های مسکونی منطقه اطراف می‌باشد به طوری که همانند خانه‌های مسکونی از یک یا چند اتاق داخلی، جلوخان و رواق ایوان که بر ستون ها استوار است ساخته شده است و ظاهری محلی دارد که از آن برای گذاشتن اجساد استفاده می‌کرده‌اند (دیاکونوف، ۵۰۱-۵۰۲).

(استاد محمود- پدرام) هم معتقد است که هم اکنون اکثریت قریب به اتفاق منازلی که در این منطقه ساخته شده‌اند به ویژه منازل سنتی جهت دریافت نور زمستانی که به علت گردش انتقالی زمین در نیمروز در آخرین حد جنوبی قرار می‌گیرد رو به جنوب هستند که وضعیت اقلیمی منطقه را از گذشته‌های دور منعکس می‌نمایند (استاد محمود- پدرام). علاوه بر موارد فوق، وجود ایوان ستون دار به خاطر عدم وارد شدن ریزش‌های جوی مانند برف و باران به فضای مسکونی و راه یافتن به فضای داخلی اتاق از طریق ایوان ستون دار و همچنین برآمدگی قسمت فوقانی فضای ورودی گوردخمه ی «فقره‌قا» به علت عدم برخورد برف و باران‌ها به فضای ورودی هنوز هم در روستاهای نزدیک گوردخمه قابل مشاهده است.

•**اقدامات ضروری و لازم برای حفاظت از اثر**
گوردخمه فقره‌قا در محیط اطراف شرایط مناسبی ندارد و اگر

چاره‌ای اندیشیده نشود مهمترین اثر باستانی منطقه مکیان و استان اورمیه به سرنوشت نامبهمی دچار خواهد شد. مسئولان نالایق و فاسد میراث فرهنگی مهاباد باید (غلامرضا-عبده و عبید - سورخایی، ناصر- صدفی، آرش شهبایی دهبکری) و نماینده بی عرضه شهرستان و نیز فرماندار ویژه ی غیربومی نالایق و تنگ نظر مهاباد در این راه قدم های جدی بردارند.

اولین گام در این راه ایجاد تعیین حریم حفاظتی و گذاشتن سازه‌ای فلزی برای در امان ماندن از بارش برف و باران است که در تخریب و فرسایش گوردخمه نقشی اصلی‌ای بازی می‌کند. از دیگر اقدامات مفیدی که می‌توان برای این اثر انجام داد، گذاشتن نگهبان از خود مردم روستای ایندر- کش و نیز استخدام راهنمایان گردشگری و بلیط فروشی در نزدیکی گوردخمه می‌باشد تا باشد که بدین وسیله شاید بتوان جان تازه‌ای به اثر داد به شرطی که مدیران و مسئولان فاسد و نالایق منطقه حداقل بودجه را برای این اثر فاخر قرار بدهند. فاسد و نالایق منطقه حداقل بودجه به نظر می‌رسد گوردخمه فقره‌قا به سنت معماری متفاوتی احتمالا مادی- مانایی مرتبط باشد. هر چند اخیرا با کارش‌های انجام شده در سایت های- مانایی مانند قلاچی، ربط، زیویه و حسنلو با معماری مانا آشنایی کافی پیدا کرده‌ایم، اما هیچ کدام از عناصر معماری این سایت‌ها به غیر از حسنلو و مقدار کمی هم قلاچی به لحاظ داشتن تالار ستوندار در انتساب این گوردخمه به مانایی‌ها کمک چندانی نمی‌کند.

اما شناسایی آثاری مانند «برده - کنته»ی مهاباد، قلا- بردینه و «قلاچی» بوکان و همچنین معماری طبقه IV تپه حسنلو می‌تواند در انتساب این گوردخمه به مانایی‌ها کمک جدی بکند. مهمترین عنصر معماری که می‌تواند در انتساب این گوردخمه به مانایی یقین ایجاد کند وجود ایوان ستوندار است. براساس داده‌های باستان‌شناسی ایوان ستوندار در ایران نخستین بار در قرن ۹ ق.م و در معماری طبقه IVB حسنلو ظاهر می‌شود(Dyson۱۹۸۹، ۱۱۵).

در این طبقه استقرار، تمامی بناهای اصلی از طریق ایوان ستون دار به حیاط مرکزی مرتبط

می‌شوند. مدخل تالار ستوندار قلاچی نیز ظاهرا نمای ایوان مانند داشته است و راه پله ستون دار زیویه نیز طرح قابل مقایسه‌ای را فراهم می‌کند (ملازاده، ۱۳۹۳، ۳۴۲).

از دیگر عناصر معماری گوردخمه ی «فقره‌قا» که می‌توان با نیمکت‌های خشتی تپه حسنلو مقایسه کرد، نیمکت‌ها و سکوهای دو پله‌ای موجود در طرفین فضای ورودی است که نمونه ی آن در گوردخمه‌های هخامنشی وجود ندارد. یا شاید از سکوهای ورودی گوردخمه‌های اورارتویی الهام گرفته باشند (همان، ۳۶۴-۳۶۵). فون گال سرستون‌های اتاق تدفین گوردخمه ی فقره‌قا را ترکیبی از طرح مدور و چهارگوش و تقلیدی از سرستون‌های دو کله‌ای چوبی نوع ساده شده و محلی دوره هخامنشی می‌داند (۱۹۸۸. fig. ۱۵-Gall۱۶). به طوری که نمونه‌های محلی آن را می‌توان هنوز در معماری محلی یافت.

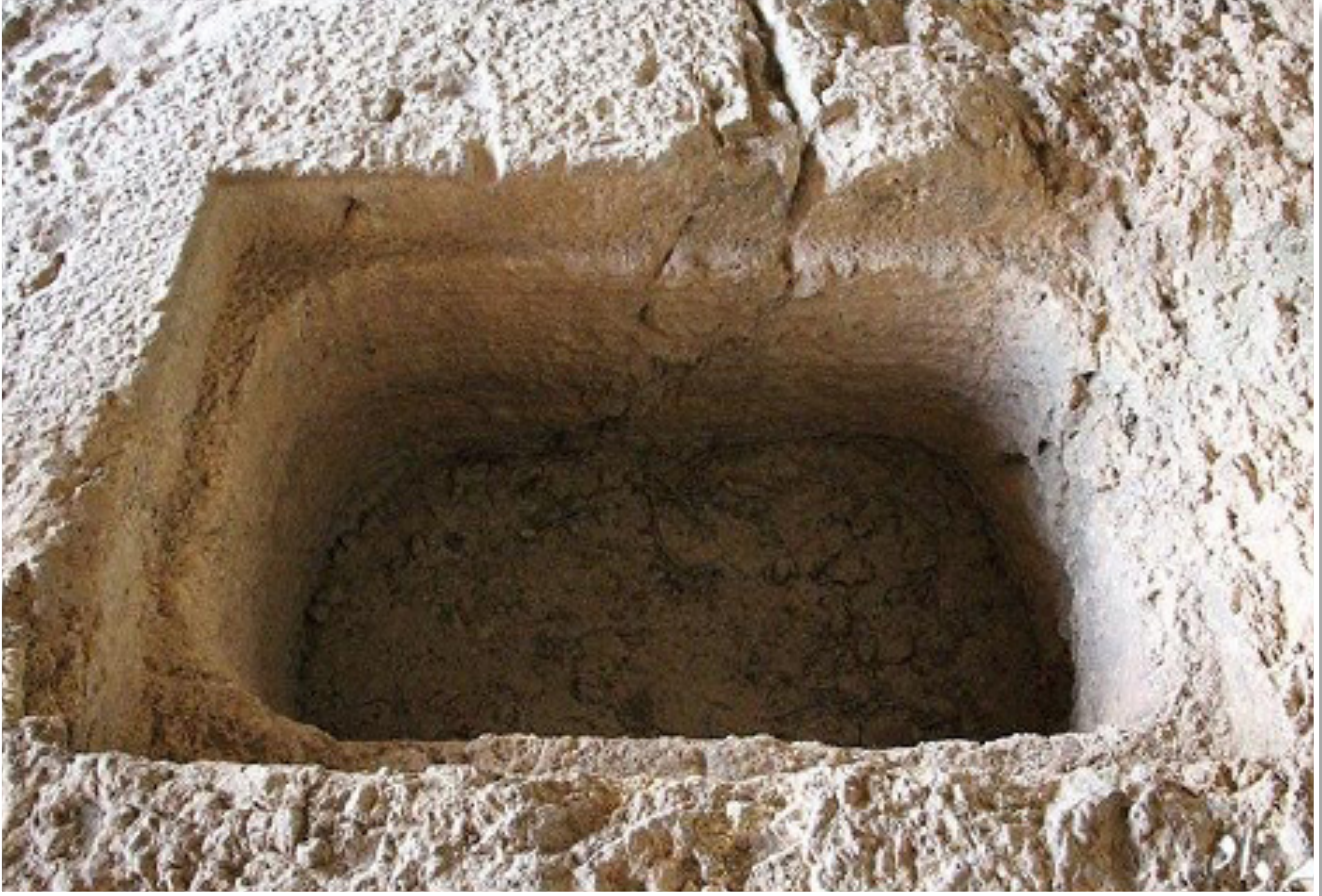
وجود محوطه ی «برده - کنته «در حدود ۵ کیلومتری «فقره‌قا» با آثار معماری صخره‌ای شامل تپه‌ی کم ارتفاع سنگی که با صفه سازی و ایجاد تونل و راه پله‌هایی احتمالا یک فضای روباز مذهبی است و نیز قبرهایی کاملا مشابه قبرهای «فقره‌قا» در مجاورت آن و بر روی یک سطح سنگی کنده شده‌اند. این محوطه با توجه به سفال های باقی مانده به عصر آهن III تعلق دارد و از همین رو محوطه در قالب هزاره اول ق.م تاریخ گذاری شده است (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۶۹-۳۷۱).

از دیگر سایت‌های منسوب به ماناها که می‌توان پله‌ها و قبرهای فقره‌قا را با آن مقایسه کرد، قلا- بردینه می‌باشد. بقایای این قلعه بر فراز تپه‌ای بلند و مرتفع، واقع در ۳۰۰ متری شمال شرقی روستای آخ-جیوان و ۳۵ کیلومتری شمال شرقی بوکان، قرار دارد. دسترسی با این روستا از طریق جاده ارتباطی بوکان - شاهین دژ امکان پذیر است. تپه‌ی مذکور به جهت ارتفاع و اشراف بسیار خوبی که به مناطق پیرامون و راه‌های ارتباطی دارد و سطح صاف و صخره‌ای و دیواره‌های نفوذ ناپذیر، موقعیت بسیار مناسبی برای ساخت قلعه فراهم ساخته است. قسمت فوقانی تپه‌ای که قلعه بر روی آن ساخته شده،

به صورت تاجی صخره‌ای است که دسترسی به بالای آن تنها از جانب جنوب شرقی و توسط جاده و راه پله ی ایجاد شده امکان پذیر است. از این جبهه‌ی تپه، با ایجاد جاده‌ای مارپیچ که بخشی از آن با شکل‌دهی صخره کوه صورت گرفته و یک دروازه و راه پله سنگی، به داخل قلعه دست می‌یافته‌اند. راه پله مزبور که بخشی از تأسیسات ورودی قلعه را تشکیل می‌داده، با ۱۲ پله سنگی در صخره تراشیده شده است. طول این پله ها ۱/۳۵ و عرض و ارتفاع آنها به ترتیب ۳۵ و ۱۵ سانتیمتر است. در یک حاشیه این راه پله کانالی به طول، عرض و عمق ۴۴۰، ۲۰ و ۲۵ سانتی متر ایجاد شده که بنظر می‌رسد برای هدایت آب‌های جاری حاصل از بارندگی کاربرد داشته است. در طرفین این راه پله یا دروازه، سکوهایی در صخره تراشیده شده است. در اطراف راه-پله و پیرامون فضای داخلی قلعه هیچگونه بقایایی از برج و بارو و سازه‌های معماری برجای نمانده است؛ البته قابل ذکر است که به جهت وجود دیواره و پرتگاه صخره‌ای، در بیشتر قسمت‌ها اصولا نیازی به ساخت برج و بارو وجود نداشته است. در سطح داخلی قلعه به جز ۱۱ آب انبار کنده شده در سطح صخره کوه و چند حفره کوچک سنگی، آثار دیگری مشهود نیست. کاوش‌های غیرمجاز صورت گرفته وجود لایه‌های استقراری را به اثبات می‌رساند. در سطح تپه و دامنه‌های آن مجموعه متنوعی از سفال جمع آوری شد که نشانگر استقراری از هزاره اول و مانائی‌ها، دوره تاریخی و اسلامی است. یگ گروه مهم از این مجموعه قابل مقایسه با انواع به دست آمده از محوطه‌های قلاچی و زیویه و مربوط به اقوام ماننایی بودند. این گروه شامل انواع سفال نخودی می‌شدند که در میان گونه‌های مرغوب آنها، قطعاتی با لعاب غلیظ گلی کرم رنگ و نیز قطعات نخودی با پرداخت عالی دیده می‌شوند. از نظر اشکال نیز، همانندی‌هایی بین این محوطه‌ها وجود دارد. کاسه‌های زورقی شکل (لاله‌ای)، کوزه‌های دهان گشاد و فرم لبه‌ها از مواد مشترکی می‌باشند.

•**گاهنگاری اثر**

متأسفانه تمام گوردخمه‌هایی که



در ایران واقع شده‌اند به غیر از آرامگاه «داریوش» اول در نقش رستم که دارای کتیبه است (فیروزمندی) را نمی‌توانیم به طور قطع تاریخ گذاری کنیم. گوردخمه «فقره‌قا» در اکثر منابع تحت عنوان گوردخمه مادی مورد مطالعه قرار گرفته است . «ژاک دومورگان» در سال ۱۸۹۶ میلادی در جریان سفر خود به ایران با هیئت همراهش از مهاباد دیدن و این گوردخمه را به غلط مربوط به عهد هخامنشی دانسته است (دمرگان، ۱۳۳۹: ۴۶). هرزفلد این گوردخمه را مربوط به یکی از پادشاهان ماننایی در فاصله سال‌های ۸۴۰- ۵۶۰ ق.م می‌داند (هرزفلد، ۱۳۸۱: ۲۱۱). دیاکونوف، معتقد است که نمی‌توان تاریخ قدیمی‌تری از قرن ۷ ق.م برای گوردخمه ی فقره‌قا در نظر گرفت (دیاکونوف، ۵۰۱- ۵۰۲). «گال» به غلط گوردخمه ی فقره‌قا را از دوره ی داریوش می‌داند و طرح مخروطی شکل پایه ستون‌ها را شکل ساده شده و محلی اشکال ناقوسی شکل هخامنشی ذکر می‌کند. او همچنین این احتمال را که گوردخمه فقرقا معرف یک معماری محلی است که پایه ستون‌های ناقوسی شکل هخامنشی از آن الهام گرفته‌اند را مردود می‌شمارد و اولین ظهور پایه ستون مخروطی شکل در ایران را به دوره داریوش اول نسبت می‌دهد (Gall ۱۹۶۶، ۳۲) اما طرح‌های به دست آمده از آشور حضور چنین پایه‌های را در دوره قبل نشان می‌دهد.

•**حسن ختام**

همانطور که در بالا ذکر شد به نظر می‌رسد گوردخمه فقره‌قا به سنت معماری متفاوتر از مانناها و هخامنشیان و اورارتوییها به ویژه به شیوه معماری مادها نزدیک تر باشد. مهاباد و اطراف آن در زمان باستان هرچند متعلق به حاکمیت و سلطه‌ی شاهان محلی ماننایی بودند، ولی نباید فراموش بکنیم که همه‌ی تیره‌ها و گونه‌های قومی ماننایی، لولویی، گوتی و زاموایی همه در چهارچوب اتحادیه و کنفدراسیون ماد بزرگ قرار می‌گیرند.

بنابراین بهترین گزینه در تعلق این اثر همانا نامیدن آن به فرهنگ و معماری ماد بزرگ می‌باشد.

نمایی از پایمال کردن حقوق بشر در کوردستان ایران در طی دو هفته آخر مهرماه با استناد به آژانس خبرسانی کوردستان، (کردپا)

کشته و مجروح شدن کولبران و کاسبکاران



شامگاه روز شنبه بیست و ششم مهرماه، یک کولبر کورد به نام «امین شمس» اهل روستای «کشمش تپه» ماکو در پی شلیک نظامیان حکومتی در مرز شهرستان چالدران جان باخت.

شامگاه روز دوشنبه بیست و یکم مهرماه، یک کولبر کورد به نام «وزیر ویسی» اهل روستای «جوجار» از توابع بخش مرکزی ثلاث باباجانی بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز نوسود زخمی شد.

روز شنبه نوزدهم مهرماه، یک کولبر کورد به نام «رحمت امینی» اهل روستای «دارمکون» از توابع بخش وزینه سردشت در پی شلیک نظامیان حکومتی زخمی شد.

روز جمعه هجدهم مهرماه، یک کولبر کورد به نام «کمال میرزایی» اهل ثلاثباباجانی بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز نوسود زخمی شد.

طی روزهای اخیر، یک کولبر کورد به نام «اسعد نودشاهی» بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز «تته» هورامان زخمی شده است.

شامگاه روز دوشنبه بیست و هشتم مهرماه، یک کولبر کورد به نام «یاسین فکری» ۲۲ ساله اهل بانه در مرز برویشکانی این شهرستان مورد ضرب و شتم نظامیان حکومتی قرار گرفته است.

شلیک نظامیان حکومتی به شهروندان

روز پنجشنبه بیست و چهارم مهرماه، یک شهروند کورد به نام «اسماعیل نوروزی» ۳۶ ساله اهل شهرک «کانی دینار» مریوان در پی شلیک نظامیان حکومتی در کرمانشاه به شدت زخمی شده است.

شامگاه روز پنجشنبه بیست و چهارم مهرماه، شلیک مأموران نیروی انتظامی به یک خودروی پژو در محله «دولت‌آباد» کرمانشاه، منجر به کشته شدن یک شهروند یارسانی به نام «اشکان عزیزی» و زخمی شدن یک شهروند دیگر به نام «برهان عزیزی» شد.

بازداشت و انتقال شهروندان به مکانی نامعلوم



سرنوشت یک روحانی کورد به نام «ماموستا رسول حمزه‌پور» اهل روستای «خرابه» پیرانشهر و امام جماعت روستای «اندیزه» از توابع بخش لاجان پیرانشهر پس از دو هفته بازداشت در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

طی روزهای اخیر، سه شهروند کورد به نامهای «حامد دادستان ۵۰ ساله، سوران دادستان ۲۲ ساله و حمدی دبستانی ۴۰ ساله» اهل روستای «درگاه شیخان» از توابع مریوان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

انتقال شهروندان به زندان



روز چهارشنبه بیست و سوم مهرماه، دو شهروند کورد به نامهای «بهزاد طلایی» ۲۷ ساله اهل روستای «انبی» از توابع منطقه ترگور ساکن ارومیه و «سیاوش جوان» ۲۸ ساله اهل کشتارگاه ارومیه پس از اتمام بازجویی از بازداشتگاه اداره اطلاعات به زندان مرکزی ارومیه منتقل شدند.

روز پنجشنبه بیست و چهارم مهرماه، یک فعال مذهبی اهل سنت به نام «عزیز حیدرپور» ۳۷ ساله اهل روستای «کهریز» از توابع بخش انزل و ساکن ارومیه پس از اتمام بازجویی به زندان مرکزی این شهر منتقل شد.

روز یکشنبه بیستم مهرماه، شادمان پنی‌بشر، فعال مدنی و عضو گروه کوهنوردی «چلچمه» جهت اجرای حکم خود را به شعبه چهارم اجرای احکام کیفری سندج معرفی و سپس به زندان این شهر منتقل شد.

روز شنبه نوزدهم مهرماه، یک فعال مدنی به نام «افشار فتحی» فرزند احمد اهل روستای «تنگیسر» از توابع منطقه ژاورود سندج جهت اجرای حکم خود را به زندان مرکزی این شهر معرفی کرده است.

بازداشت شهروندان



یک شهروند کورد به نام «فرشاد فتاحی» اهل ارومیه پس از ۲۶ روز بازداشت همچنان در بازداشتگاه اداره اطلاعات این شهر تحت بازجویی می‌باشد.

روز پنجشنبه بیست و چهارم مهرماه، یک شهروند کورد به نام «ملاجمشید حمیدی» فرزند محمود اهل روستای «شاهوانه» از توابع اشنویه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

روز شنبه نوزدهم مهرماه، یک شهروند کورد به نام «عثمان خدا کرمی» فرزند کریم اهل روستای «اوطمیش» از توابع بوکان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

طی روزهای گذشته، یک شهروند کورد به نام «محمدعلی خاله‌نژاد» فرزند جمال اهل روستای «مارغان» از توابع سردشت توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

اقدام به خودکشی زندانیان سیاسی در زندان



شامگاه روز دوشنبه بیست و هشتم مهرماه، عادل مکرم، زندانی سیاسی محبوس در زندان ارومیه در سلول انفرادی اقدام به خودکشی کرده است.

به گفته یک منبع آگاه از زندان ارومیه، این زندانی سیاسی روز سه‌شنبه بیست و نهم مهرماه برای عمل جراحی و شست‌وشوی معده به بیمارستان خارج از زندان اعزام شده است.

روز یکشنبه بیست و هفتم مهرماه، عادل مکرم در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌هایش خود را به آتش کشید.

روز سه‌شنبه بیست و دوم مهرماه، این زندانی در پی عدم تحقق وعده مسئولان این زندان مجدداً دست به اعتصاب غذا زد.

تأیید حکم قطع انگشتان دست برای دو شهروند

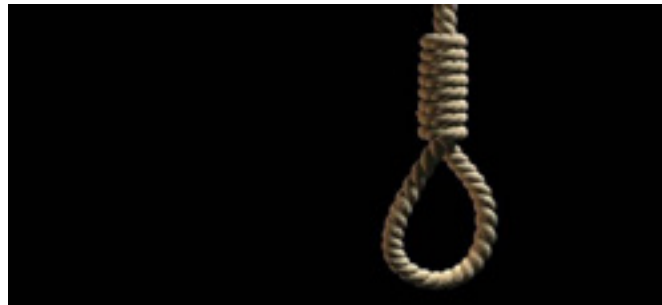
حکم قطع چهار انگشت دست راست دو برادر زندانی متهم به «سرقت» به نامهای «مهرداد تیموری و شهاب تیموری» فرزند حسین اهل سرپل‌ذهاب و ساکن ملارد کرج در زندان مرکزی ارومیه از سوی دیوان عالی کشور تأیید شده است.

انفجار مین



روز چهارشنبه شانزدهم مهرماه، یک شهروند کورد به نام «خسرو حسنی» ۳۸ ساله اهل روستای «کوره دره» ساکن مریوان بر اثر انفجار مین از ناحیه دست دچار نقص عضو شد.

اعدام شهروندان



روز چهارشنبه سی‌ام مهرماه، حکم اعدام یک زندانی به نام «شهرام تخشا» اهل کرمانشاه در زندان سندج به اجرا درآمد.